

بسم الله الرحمن الرحيم

1399/11/26

موضوع: چشم اندازی از مقام والای امامت در نگاه بزرگان شیعه و اهل سنت!

سخنرانی در مؤسسه امام هادی (علیه السلام)

فهرست مطالب این برنامه:

نعمتی که تا آخر عمر، توان شکر آن را نداریم!

لطفاً علمای اهل سنت به این روایت جواب بدهند!

با این دو روایت، دیگر مستضعفی در میان شیعه و سنی و وهابی نمی ماند!!

عمل واجبی که به اعتراف علمای اهل سنت، اکثر مردم آن را ترک کردند!!

عبارتی عجیب و سنگین در «زیارت جامعه کبیره»!

نگاه بسیار ویژه برخی بزرگان شیعه به مسئله ولایت ائمه (علیهم السلام)

لطفاً این زیارت را نخوانید!!

مهمترین دلیل حصر طولانی امام هادی و امام حسن عسکری (علیهمما السلام)

آیت الله دکنتر حسینی قزوینی:

اعوذ بالله من الشيطان الرجيم بسم الله الرحمن الرحيم و به نستعين و هو خير ناصر و معين الحمد لله و الصلاة على رسول الله و على آله آل الله لاسيما على مولانا بقية الله و اللعن الدائم على اعدائهم اعداء الله إلى يوم لقاء الله الحمد لله الذي هدانا لهذا و ما كنا لنهتدى لولا أن هدانا الله

خدا را بر تمام نعمت‌هایش به ویژه نعمت ولایت سپاس می‌گوییم و خدا را شاکریم که از باب:

«يا مُبْتَدِئاً بِالنَّعْمِ قَبْلَ اسْتِحْقَاقِهَا»

بحار الأنوار، نویسنده: مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، محقق / مصحح: جمعی از محققان، ج 51،

ص 304، ح 19

به ما عنایتی کرد و بدون آنکه ما عملی انجام داده باشیم یا کاری کرده باشیم، خداوند عالم ما را از نعمت ولایت اهل بیت عصمت و طهارت محروم نکرد و این نعمت را تفضلاً بر سر ما منت گذاشت و عنایت کرد.

نعمتی که تا آخر عمر، توان شکر آن را نداریم!

من بارها می‌گویم اگر خداوند عالم از اول خلقت تا آخر خلقت به ما عمر بدهد و تمام این عمر را در یک سجده شکر به خاطر ولایت اهل بیت به جا بیاوریم، باز هم بنده با تمام وجودم معتقد هستم نعمت ولایت اهل بیت را آنگونه که شایسته هست نمی‌توانیم سپاس‌گوییم.

این نه تنها در روایات شیعه بلکه اهل سنت بر این عقیده هستند که بدون ولایت اهل بیت راه نجات برای همگان مسدود است.

لطفاً علمای اهل سنت به این روایت جواب بدهند!

بنده حدود دوازده سال قبل در «شبکه المستقله» که متعلق به وهابیت است، با چند تن از وهابی‌ها مناظره‌ای داشتیم. آن‌ها معتقد بودند که «شبکه المستقله» بیش از هفتاد میلیون بیننده دارد.

ما سه شب بحث داشتیم. آقایان «دکتر ابو شوارب» را از دانشگاه اسکندریه مصر آورده بودند و یکی از اساتید برجسته این دانشگاه بود، «حسن حسینی» یکی از وهابی‌های گستاخ بحرین بود و نفر سوم «دکتر هاشمی» هم که یکی از چهره‌های وهابی بود.

ما سه شب مناظره داشتیم. موضوع بحث ما شهادت حضرت صدیقه طاهره (سلام الله علیها) بود که حساس‌ترین بحث بود.

زمانی که بحث‌ها به غلو شیعه نسبت به ولایت اهل بیت رسید، من گفتم: من روایتی را از «خوارزمی» می‌خوانم که در کتاب «مناقب» صفحه 67 آورده است و شما به من جواب بدهید.

«خوارزمی» یکی از شخصیت‌های برجسته اهل سنت هست به طوری که «ذهبی» او را «علامه» و «امام» و مقبول نزد عامه می‌خواند. ایشان روایتی را از رسول اکرم نقل می‌کند که به امیرالمؤمنین می‌فرماید:

«یا علی لو أن عبداً عبد الله عز وجل مثل ما قام نوح في قومه»

یا علی! هرگاه بنده‌ای خدا را به مدت عمر نوح که در میان قومش قیام کرد عبادت کند.

غرض رسالت نیست، زیرا عمر رسالت هزار و دویست سال یا هزار و چهارصد سال بوده است. قطعاً نهصد و پنجاه سال به تصریح قرآن کریم دوران رسالت حضرت نوح است.

«وكان له مثل أحد ذهباً " فأنفقه في سبيل الله»

و به مقدار کوه احد طلا داشته باشد و در راه خدا انفاق کند.

«ومد فی عمره حتی حج الف عام علی قدمیه ثم قتل بین الصفا والمروة مظلوما»

و خداوند به او عمر طولانی بدهد به قدری که بتواند با پای پیاده هزار سال حج به جا آورد و بعد بین صفا و مروه به ناحق کشته شود.

«ثم لم یوالک یا علی لم یشم رائحة الجنة ولم یدخلها»

اما ولایت تو را نداشته باشد، بوی بهشت به مشام او نمی‌رسد و داخل آن نمی‌شود.

المناقب، نویسنده: الموفق الخوارزمی، وفات: 568، تحقیق: الشیخ مالک المحمودی - مؤسسة سید الشهداء (ع)، چاپ: الثانية، سال چاپ: ربيع الثاني 1414، چاپخانه: مؤسسة النشر الإسلامی، ص 67،

ح 40

این عبارتها اگر در کتب شیعه بود، شاید بعضی افراد بگویند علمای شیعه برای دلخوشی خودشان این عبارت را آورده‌اند. در مقابل، وقتی بزرگان اهل سنت این مطالب را نقل می‌کنند، دیگر حجت برای همگان تمام است.

«مسلم» هم در کتاب «صحيح» خود روایتی با این مضمون آورده است. آقایان اهل سنت بر این عقیده هستند که کتب «صحيح بخاری» و «صحيح مسلم» اصح الکتاب بعد از قرآن کریم است.

بعضی افراد هم «مسلم» را مقدم از «بخاری» می‌دانند، زیرا معتقدند که تألیف «مسلم» مقدم از «بخاری» بوده است. «بخاری» متوفای 256 هجری است و «مسلم» متوفای 261 هجری است.

با این دو روایت، دیگر مستضعفی در میان شیعه و سنی و وهابی نمی‌ماند!!

«صحيح مسلم» در جلد 3 صفحه 1478 حدیث 1851 از قول «عبدالله بن عمر» روایتی را نقل می‌کند و

می‌نویسد:

«وَمَنْ مَاتَ وَلَيْسَ فِي عُنُقِهِ بَيْعَةٌ مَاتَ مِيتَةً جَاهِلِيَّةً»

هرکسی بمیرد و بر گردن او بیعتی نباشد، به مرگ جاهلیت از دنیا رفته است.

صحیح مسلم، اسم المؤلف: مسلم بن الحجاج أبو الحسين القشيري النيسابوري، دار النشر: دار إحياء

التراث العربي - بيروت، تحقيق: محمد فؤاد عبد الباقي، ج 3، ص 1478، ح 1851

بنده گمان می‌کنم با این روایت دیگر مستضعفی در میان شیعه و سنی و وهابی نمی‌ماند. اگر کسی بدون آنکه بیعت امامی در گردنش باشد از دنیا برود، به مرگ جاهلیت از دنیا رفته است.

«احمد بن حنبل» رئیس حنابله متوفای 241 هجری در کتاب «مسند» جلد 4 صفحه 96 تعبیر را بسیار واضح‌تر آورده و می‌گوید:

«من مات بغير إمام مات ميتة جاهلية»

مسند الإمام أحمد بن حنبل، اسم المؤلف: أحمد بن حنبل أبو عبدالله الشيباني، دار النشر: مؤسسة

قرطبة - مصر، ج 4، ص 96، ح 16922

آیا حجتی بالاتر از این بیان کنند؟! آیا تعبیری رساتر از این بیان کنند؟! کسی که بدون امام از دنیا برود، به مرگ جاهلیت از دنیا رفته است.

ما از مخالفین عزیزمان سؤال می‌کنیم شما که پدران و اجدادتان از دنیا رفتند، با اعتقاد به امام از دنیا رفتند یا بدون اعتقاد به امام از دنیا رفتند؟! اگر با اعتقاد به امام بوده است، امامشان چه کسی بود؟!

حال «ابن حجر عسقلانی» و «نووی» و «بدرالدین عینی» می‌خواهند تلاش کنند تا ادعا کنند خلیفه و حاکم هر کشوری امام آن کشور هست و به آیه شریفه:

(يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ أُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ)

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! اطاعت کنید خدا را و اطاعت کنید پیامبر خدا و صاحبان امر را.

سوره نساء (4): آیه 59

استناد می‌کند. در مقابل «مسلم» در کتاب «صحيح مسلم» جلد 3 صفحه 1480 این حدیث را از قول رسول گرامی اسلام نقل می‌کند که حضرت فرمود:

«إِذَا بُوِيعَ لِخَلِيفَتَيْنِ فَأَقْتُلُوا الْآخَرَ مِنْهُمَا»

صحيح مسلم، اسم المؤلف: مسلم بن الحجاج أبو الحسين القشيري النيسابوري، دار النشر: دار إحياء التراث العربي - بيروت، تحقيق: محمد فؤاد عبد الباقي؛ ج 3، ص 1480، ح 1853

حضرت به صراحت می‌فرماید اگر در عصری با دو خلیفه بیعت شد، خلیفه اول خلیفه مشروع است و خلیفه دوم نامشروع است و قتلش واجب است.

ایشان می‌گویند از این روایت و روایات دیگر استفاده می‌کنیم در هر عصری کشورهای اسلامی هرچه گسترده‌تر هم باشد، باید یک امام داشته باشند و مسلمانان با یک امام بیعت کنند. چرا که نمی‌شود حاکم هر کشوری امام آن کشور باشد.

این مسئله‌ای است که آقایان اهل سنت کم به آن می‌پردازند، زیرا به صلاحشان نیست و نمی‌توانند مستمعین و مخاطبین خود را قانع کنند که قضیه از چه قرار است.

همچنین «مرحوم کلینی» در کتاب «کافی» جلد دوم صفحه 18 حدود هفده روایت با این مضمون آورده است:

«بُنِيَ الْإِسْلَامُ عَلَى خَمْسٍ عَلَى الصَّلَاةِ وَالزَّكَاةِ وَالصُّومِ وَالْحَجِّ وَالْوَلَايَةِ وَ لَمْ يَبْدَأْ بِشَيْءٍ كَمَا نُودِيَ بِالْوَلَايَةِ»

اساس اسلام روی پنج فعل استوار است؛ نماز و زکات و روزه و حج و ولایت و در میان این واجبات هیچکدام به اهمیت ولایت نیست.

الكافی، نویسنده: کلینی، محمد بن یعقوب، محقق / مصحح: غفاری علی اکبر و آخوندی، محمد، ج 2، ص 18، ح 3

عمل واجبی که به اعتراف علمای اهل سنت، اکثر مردم آن را ترک کردند!!

جالب اینجاست که می‌بینیم این عبارت در کتب اهل سنت هم آمده است. آقای «محمد علی کردعلی» که در کتابشان در خصوص تاریخ اسلام مطالبی آورده‌اند، در جلد ششم صفحه 245 از قول «ابو سعید خدری» روایتی نقل می‌کند و می‌نویسد:

«أمر الناس بخمس فعلموا بأربع وترکوا واحدة»

مردم به پنج دسته مأمورند که چهار مورد را گرفتند و یکی را رها کردند.

«ولما سئل عن الأربع قال: الصلاة والزكاة وصوم شهر رمضان والحج»

سؤال کردم که آن چهار مورد چیست؟ گفت: نماز و زکات و روزه ماه رمضان و حج.

سپس می‌نویسد:

«قيل: فما الواحد ألتى تركوها؟»

پرسیدم: موردی که مردم آن را ترک کردند کدام است؟

«قال: ولاية علي بن أبي طالب»

گفت: ولایت علی بن ابی طالب.

سپس می‌نویسد:

«قيل له: وإنما لمفروضة معهن قال: هي مفروضة معهن»

خطط الشام، المؤلف: محمد بن عبد الرزاق بن محمّد، كزّد على (المتوفى: 1372 هـ)، الناشر: مكتبة

النوري، دمشق، الطبعة: الثالثة، 1403 هـ - 1983 م، ج 6، ص 245، باب الشيعة

جالب اینجاست که «ابن مردويه» یکی از علما و فقهای گرانسنگ اهل سنت متوفای 410 هجری کتابی به نام

«المناقب» دارد. ایشان همین روایت را از قول ابو سعید خدری نقل می‌کند. ایشان در پایان تعبیر زیبایی دارد

که خیلی ظریف است. آن تعبیر این است که از «ابو سعید خدری» سؤال می‌کنند:

«فما الواحدة التي تركوها؟»

واجبی که مردم آن را ترک کردند کدام است؟

«وإنّها مفترضة معهنّ؟»

آیا ولایت علی بن ابی طالب در ردیف سایر فرایض واجب است؟

«قال: نعم»

گفت: بله.

«قال: فقد كفر الناس!!»

پرسید: با رها کردن ولایت مردم کافر شدند!؟

«قال: فما ذنبي!»

گفت: گناه من چیست!

مناقب علی بن ابی طالب (ع) وما نزل من القرآن فی علی (ع)، نویسنده: أحمد بن موسی ابن مردویه
الأصفهانی، وفات: 410، تحقیق: جمعه ورتبه و قدم له: عبد الرزاق محمد حسین حرز الدین، چاپ:
الثانية، سال چاپ: 1424 - 1382 ش، چاپخانه: دار الحدیث، ناشر: دار الحدیث، ص 72، ح 48

مراد ایشان این است که من وکیل مردم نیستم، تنها این روایت را از قول پیغمبر اکرم نقل می‌کنم.

این روایات نشان می‌دهد که جایگاه ولایت جایگاه بسیار والایی است. شاید ما که مدعی تشیع اهل بیت هستیم، به تعبیر امام خمینی عقل ما به ذره‌ای از مقامات و ولایتی که اهل بیت (علیهم السلام) دارند نرسد.

عبارتی عجیب و سنگین در «زیارت جامعه کبیره»!

امشب که شب شهادت امام هادی (علیه السلام) است، یکی از یادگاران آن امام معصوم «زیارت جامعه کبیره» است که یک دوره امام شناسی مبسوط است. این افتخار شیعه هست که چنین اثر گرانبگی از امام هادی (علیه السلام) مانده است.

شرح‌های زیادی بر زیارت جامعه کبیره نوشته شده است، اما بنده با توجه به اینکه نود درصد عمرم را در این مسیر گذراندم آن حق مطلبی که نسبت به جامعه کبیره باشد انجام نشده است.

زیارت جامعه کبیره فرازهایی دارد که اگر ما بگوییم فراتر از درک و ذهن ما هست، حرف گزافی نگفته‌ایم.

«مَنْ أَرَادَ اللَّهَ بَدَأَ بِكُمْ»

تا جایی که می‌فرماید:

«بِكُمْ فَتَحَ اللَّهُ وَ بِكُمْ يَخْتِمُ»

آغاز هستی با شما صورت گرفته و فرجام هستی هم توسط شما انجام خواهد گرفت.

بنده کاری با مفهوم این تعبیر ندارم. بعضی از اساتید حوزه علمیه که ما افتخار شاگردی آن بزرگواران را داشتیم، می‌خواستند توجیه کنند که مراد از ولایتی که مطرح می‌شود هدایت مردم هست. بحث هدایت مردم یک بحث است، اما در این دعا آمده است:

«بِكُمْ فَتَحَ اللَّهُ»

آغاز هستی با شما بوده است.

اگر چنین باشد که این بزرگواران آغازگر هدایت نبوده‌اند. از روزی که حضرت آدم از طرف خداوند متعال به پیامبری مبعوث شد،

(إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً)

من در روی زمین جانشین و حاکمی قرار خواهم داد.

سوره بقره (2): آیه 30

اینها هدایت را آغاز کردند.

نگاه بسیار ویژه برخی بزرگان شیعه به مسئله ولایت ائمه (علیهم السلام)

حال که بحث به اینجا رسید، عبارتی را از بعضی بزرگانی که همگان به فقاهت و اصولی بودن آنها یقین دارند و در فلسفی بودن و عرفان مراحل بالایی را طی کردند می‌آورم.

«مرحوم اصفهانی» (رضوان الله تعالی علیه) معروف به «کمپانی» یکی از آن بزرگواران هست. البته ایشان راضی نبودند کلمه «کمپانی» به ایشان گفته شود.

ایشان تعلیقه ای بر کتاب «مکاسب شیخ انصاری» دارد. ایشان در رابطه با بیع فضولی بحث ولایت الله و ولایت الانبیاء و ولایت ائمه اطهار و ولایت مؤمنین را مطرح می‌کند.

ایشان وقتی به ولایت ائمه اطهار می‌رسد، تعبیر ظریفی دارد. بنده معمولاً این عبارت را کم نقل می‌کنم، زیرا جامعه حتی شیعیان ما خیلی آمادگی هضم این عبارت را ندارند. مطلب، مطلب کسی است که در فقه و اصول سرآمد روزگار خودش است.

«مرحوم شیخ آقا بزرگ تهرانی» می‌گوید: فهمیدن کتاب «حاشیه مرحوم اصفهانی» بر کتاب «کفایه» به مراتب پیچیده‌تر از خود این کتاب است و هرکسی قدرت درک مفاهیم «مرحوم کمپانی» را ندارد. ایشان می‌نویسد:

«لهم الولاية المعنوية و السلطنة الباطنية على جميع الأمور التكوينية و التشريعية»

ائمه اطهار ولایت معنوی و سلطنت باطنی بر جمیع امور تکوین و تشریح دارند.

حاشیه کتاب مکاسب، نویسنده: اصفهانی، محمد حسین کمپانی، ج 2، ص 379، ح 337

به قول معروف در خانه اگر کس است، یک حرف بس است! ما در بحث‌های حوزوی می‌بینیم که بعضی از آقایان ادعا می‌کنند که آیا ائمه اطهار (علیهم السلام) ولایت تشریحی داشتند یا نداشتند!؟

از قول امام جواد (علیه السلام) روایتی نقل شده است که نمی‌دانیم صحیح هست یا صحیح نیست. ایشان می‌فرماید که بر شما خمس را واجب می‌کنم. از این می‌شود به صورت اجمالی استفاده کرد.

من نمی‌دانم که ما کجای کار هستیم! بزرگان ما و کسانی که این راه را پیموده‌اند، این فرمایشات را دارند. بنده معتقدم «مرحوم اصفهانی» جزو عارفان واصل هستند که به مقامات بالا رسیده‌اند.

همچنین «مرحوم نائینی» عبارت دیگری در این خصوص دارد. شاید بعضی افراد نسبت به «مرحوم کمپانی» اعا کنند که ایشان یک مسلک ویژه و خاصی داشته است و این شخص نمی‌تواند حجت باشد.

در مقابل، نسبت به «مرحوم نائینی» هیچکسی حرفی ندارد. جناب آقای «محمد تقی آملی» کتاب «مکاسب» ایشان را تقریر کرده و جدیداً هم به چاپ رسیده است. ایشان در جلد 2 صفحه 332 وقتی به ولایت ائمه اطهار می‌رسد، چنین تعبیر می‌کند:

«الولاية التكوينية آلتی هی عبارة عن تسخير المكونات تحت إرادتهم ومشیتهم بحول الله وقوته»

المکاسب والبيع، تقریر: أبحاث الأستاذ الأعظم الميرزا النائینی (قده)، بقلم: العلامة الرباني الشيخ محمد تقی الآملی (قده)، تحقیق: مؤسسة النشر الاسلامی، التابعة لجماعة المدرسين بقم المشرفة؛ ج2، ص332

شاید این تعبیر از تعبیر «مرحوم کمپانی» هم قوی‌تر و عمیق‌تر است، به طوری که من از ترجمه آن هم معذورم.

مرحوم آیت الله العظمی خوئی (رضوان الله تعالی علیه) که غالب فقهای معاصر ما افتخار شاگردی ایشان را دارند، در کتاب «مصباح الفقاهة» وقتی در رابطه با ولایت ائمه اطهار صحبت می‌کند تعبیر بسیار زیبایی دارد. بنده گمان می‌کنم تعبیر ایشان یک تعبیر خیلی ظریف و عموم فهم و عوام فهم و خواص فهم است. ایشان فرماید:

«بل لهم الولاية التكوينية لما دون الخالق، فهذه الولاية نحو ولاية الله تعالى على الخلق ولاية إبداعية و ان كانت هی ضعيفة بالنسبة إلى ولاية الله تعالى على الخلق»

مصباح الفقاهة، نویسنده: السيد الخوئی، وفات: 1413، تحقیق: جواد القیومی الأصفهانی، چاپ: الأولى المحققة، سال چاپ: چاپخانه: العلمية - قم، ناشر: مكتبة الداوري - قم؛ ج3، ص 280

زیرا ولایت الله استقلالی است و ولایت اهل بیت به تعبیر عرفا استقلالی است و در سایه ولایت الهی است و اعطایی ولایت خداوند است. هرچه آن بزرگواران دارند، از خداوند و به اذن خداوند و مشیت خداست. ما وقتی این تعبیر را می‌بینیم، معنای؛

«بِكُمْ فَتَحَ اللَّهُ وَ بِكُمْ يَخْتِمُ اللَّهُ وَ بِكُمْ يَمْسِكُ السَّمَاءُ أَنْ تَقَعَ عَلَى الْأَرْضِ إِلَّا بِإِذْنِهِ»

برای ما روشن می‌شود. آیا این را هم می‌توانیم بگوییم بحث هدایت است؟!

«وَ بِكُمْ يَنْفُسُ الْهَمِّ وَ يَكْشِفُ الضَّرَّ»

من لا يحضره الفقيه، نویسنده: ابن بابویه، محمد بن علی، محقق / مصحح: غفاری، علی اکبر، ج 2،

ص 615، ح 3213

آیا این هم بحث هدایت است یا این بحث غیر از بحث هدایت است؟! این یک هدایتی است که بزرگواران دارند. به تعبیر امام خمینی (رضوان الله تعالی علیه) فوق درک عقول بشر هست.

لطفاً این زیارت را نخوانید!!

من به دوستان در جلسات بحث حوزوی خیلی توصیه می‌کنم که زیارت اول امام حسین از زیارات مطلقه را ملاحظه کنند. بنده توصیه می‌کنم این زیارت را نخوانند، بلکه در آن تدبر و تعقل کنند.

امام حسین زیارات مختلفی از جمله زیارت امام حسین در روز عاشورا، نیمه شعبان، شب مبعث و سیزده رجب دارد. به عنوان مثال سیزده رجب ولایت امیرالمؤمنین است، اما یکی از زیارات وارده در این روز زیارت امام حسین است.

«مرحوم محدث قمی» در کتاب «مفاتیح الجنان» شش یا هفت زیارت مطلقه از امام حسین (علیه السلام) آورده است.

اولین زیارتی که از زیارات مطلقه امام حسین (علیه السلام) هست که «مرحوم شیخ صدوق» هم در کتاب «من لا یحضره الفقیه» جلد دوم صفحه 598 این زیارت را آورده است و می‌نویسد:

«وَ اِخْتَرْتُ هَذِهِ لِهَذَا الْكِتَابِ»

من این زیارت را از میان همه زیارات امام حسین در این کتاب انتخاب کردم.

«لِأَنَّهَا أَصْحُ الزِّيَارَاتِ عِنْدِي مِنْ طَرِيقِ الرَّوَايَةِ وَ فِيهَا بَلَاغٌ وَ كَفَايَةٌ»

زیرا از طریق روایت و سند صحیح‌ترین روایت نزد من است و در این روایت هرچه گفتمی بوده گفته شده و کافی است.

من لا یحضره الفقیه، نویسنده: ابن بابویه، محمد بن علی، محقق / مصحح: غفاری، علی اکبر، ج 2، ص 598، ح 3200

امام خمینی (رضوان الله تعالی علیه) در شرح دعای سحر می‌نویسد: بعضی از معارفی بود که ائمه اطهار نمی‌توانستند در قالب روایت و حدیث بیان کنند، به همین خاطر آنها را در قالب دعا و زیارات بیان کردند.

«مرحوم ابن قولویه» در کتاب «کامل الزیارات» صفحه 365 و «مرحوم کلینی» در کتاب «کافی» جلد چهارم صفحه 576 و بزرگان دیگر همگی زیارت اول امام حسین در «مفاتیح الجنان» را آورده‌اند. ایشان در اینجا همان تعبیر زیارت جامعه کبیره که می‌فرماید:

«مَنْ أَرَادَ اللَّهُ بِدَأْ بِكُمْ بِكُمْ يَبِينُ اللَّهُ الْكُذِبَ وَ بِكُمْ يَتَاعِدُ اللَّهُ الزَّمَانَ الْكَلِبَ وَ بِكُمْ فَتَحَ اللَّهُ وَ بِكُمْ يَخْتِمُ

اللَّهُ وَ بِكُمْ يَمْحُو مَا يَشَاءُ»

ایشان تمام این موارد را می‌آورد، اما در اینجا بیت القصیری دارد که به نظر بنده وقتی «شیخ صدوق» می‌فرمایند: «وَ فِيهَا بَلَاغٌ وَ كَفَايَةٌ»، اشاره به این فراز از زیارت امام حسین است. می‌فرماید:

«إِرَادَةُ الرَّبِّ فِي مَقَادِيرِ أُمُورِهِ تَهَيِّطُ إِلَيْكُمْ وَ تَصُدُّزُ مِنْ بُيُوتِكُمْ»

اراده الهی در امور عالم ابتدا به قلب شما نازل می‌شود و از آنجا صادر می‌شود.

الكافی، نویسنده: کلینی، محمد بن یعقوب، محقق / مصحح: غفاری علی اکبر و آخوندی، محمد، ج 4،

ص 577، ح 2

اگر شناخت امام این هست، ما باید قدری در امام شناسی تجدید نظر کنیم. بنده کم کم بحث را جمع می‌کنم و جلسه را به مداح عزیزمان می‌سپارم.

بنده تنها مداحی که با طیب خاطر پای روضه‌اش می‌نشینم و به قول «مرحوم مطهری» می‌دانم مطالب اضافه نقل نمی‌کند، جناب حاج آقا هستند.

بنده به دوستان گفتم اگر می‌خواهید در «شبکه جهانی حضرت ولی عصر» هم مداح بیاید و صحبت کند، ایشان بیاید و غیر از ایشان کسی دیگر نیاید.

متأسفانه ایشان در شب‌های ولادت و شهادت به قدری سرشان شلوغ هست که تا به حال توفیق استفاده از ایشان را در «شبکه جهانی حضرت ولی عصر» نداشتیم.

امام خمینی (رضوان الله تعالی علیه) در کتاب «مصباح الهدایة» روایتی را از امام هشتم امام رضا (علیه السلام) نقل می‌کند و می‌گوید از نبی گرامی اسلام سؤال کردند:

«هل انتم افضل أو الملائكة»

شما اهل بیت افضل هستید یا ملائکه؟

حضرت فرمود:

«الملائكة خدامنا و خدام شيعتنا»

ملائکه خادمین ما و خادمین شیعیان ما هستند.

امام بیش از سی و پنج صفحه این روایت را توضیح می‌دهد. من ندیدم کسی به این شکل روی مغز و محتوا و پیام این روایت اینطور شرح کرده باشد.

این روایت در کتب دیگر امام خمینی نیست. بنده با کتاب‌های عرفانی از قبیل «شرح دعای سحر» یا «سر الصلاة» آشنایی دارم.

بنده شاید بیش از دویست یا سیصد بار کتاب «سر الصلاة» را از اول تا آخر خوانده‌ام و هرگاه می‌خوانم در نماز اثرات بسیار خوبی احساس می‌کنم.

امام خمینی این عبارت را تنها در کتاب «مصباح الهدایة» آورده و می‌فرماید: خداوند عالم ما را خلق کرد، در حالی که نه عرشی بود و نه فرشی بود و نه از ملائکه خبری بود. ما در زیارت جامعه کبیره یادگار امام هادی (علیه السلام) می‌خوانیم:

«خَلَقَكُمْ اللَّهُ أَنْوَاراً فَجَعَلَكُمْ بِعَرْشِهِ مُخَدِّقِينَ»

خداوند عالم شما را انواری خلق کرد که در عرش خودش مشغول تسبیح و تقدیس الهی بودید.

«فَجَعَلَكُمْ فِي بُيُوتِ أَدْنِ اللَّهِ أَنْ تُرْفَعَ وَ يَذَكَرَ فِيهَا اسْمُهُ»

خداوند عالم برای هدایت مردم شما را در جسم‌های ناسوتی قرار داد.

حضرت می‌فرماید که خداوند عالم ما را از نورش آفرید. ما چهارده نور می‌بینیم، همچنانکه بازهم در زیارت جامعه کبیره می‌خوانیم:

«وَأَنْ أَرْوَا حِكْمَكُمْ وَ نُورَكُمْ وَ طَيِّبَتِكُمْ وَاجِدَةً طَابَتْ وَ طَهَّرْتُ بَعْضَهَا مِنْ بَعْضٍ»

من لا يحضره الفقيه، نویسنده: ابن بابویه، محمد بن علی، محقق / مصحح: غفاری، علی اکبر، ج 2،

ص 613، ح 3213

روایات متعددی هم از امام باقر و امام صادق (علیهم السلام) داریم که می‌فرمایند:

«أَوْلْنَا مُحَمَّدًا وَ أَوْسَطْنَا مُحَمَّدًا وَ آخِرْنَا مُحَمَّدًا»

بحار الأنوار، نویسنده: مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، محقق / مصحح: جمعی از محققان، ج 25،

ص 363، ح 23

بنابراین حضرت می‌فرماید که خدا ما را آفرید در حالی که مشغول تقدیس الهی بودیم. خدا به واسطه ما ملائکه مقرب از جمله جبرئیل و اسرافیل و میکائیل را آفرید. آن‌ها وقتی نور ما را دیدند، مسئله برایشان مشتبه شد که خالق آنها ما هستیم.

«سَبَّحْنَا، فَسَبَّحَتِ الْمَلَائِكَةُ»

ما تسبیح الهی گفتیم و ملائکه هم به تسبیح ما، تسبیح خداوند کردند.

اولین دوره خداشناسی در عالم بالا و به تعبیر عرفا در عالم لاهوت توسط ائمه اطهار (علیهم السلام) برای ملائکه مقرب بوده است. ملائکه مقرب بازهم دیدند جایگاه ما خیلی بالاست و گفتند:

«هَلَّلْنَا، فَهَلَّلَتِ الْمَلَائِكَةُ»

ایشان در صفحه 141 تعبیری دارد که البته من آن را ترجمه نمی‌کنم، زیرا هضم آن واقعاً سخت است. ایشان می‌فرماید:

«لأنَّهم وسائط بين الحقِّ والخلق، وروابط بين الحضرة الوحدة المحضة والكثرة التفصيلية»

بحث «وحدة محضة» و «كثرة تفصيلية» در فلسفه و عرفان بحث مفصلی دارد.

«وفى هذه الفقرة بيان وساطتهم بحسب أصل الوجود»

«يَكْمُ فَتَحَ اللَّهُ» به معنای ابلاغ احكام نيست.

«وساطتهم بحسب أصل الوجود، وكونهم مظهر الرحمة الرحمانية»

ایشان در نهایت حرف آخر را می زند و آب پاکی بر دست تمام کسانی که به مقام امام جاهل هستند، می‌ریزد و می‌فرماید:

«بل هم الاسم الأعظم الذي كان «الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ» تابعين له»

مصباح الهداية إلى الخلافة والولاية؛ نویسنده: السيد الخميني، وفات : 1410، تحقيق: تقديم: السيد جلال الدين الآشتياني، چاپ: السادسة، سال چاپ: 1386 ش، چاپخانه: ناشر: مؤسسه تنظيم و نشر آثار امام خميني (س)، ص 78، باب مطلع 13

روایت صحیحی در کتاب «کافی» هست که می‌فرماید:

«نَحْنُ وَ اللَّهُ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى»

قسم به خدا اسماء حسناى الهى ما هستيم.

الكافي، نویسنده: کلینی، محمد بن یعقوب، محقق / مصحح: غفاری علی اکبر و آخوندی، محمد، ج 1،

ص 144، ح 4

بنده می‌خواستم قدری در رابطه با امام هادی (علیه السلام) صحبت کنیم، اما بدون اینکه بنده حتی فکری هم کرده باشم شروع به بحث در این خصوص کردم. امیدوارم مطالب ما هدیه ناچیزی به پیشگاه مقدس امام هادی (علیه السلام) باشد.

الحق و الانصاف زیارت جامعه کبیره و زیارت غدیریه یادگار امام هادی (علیه السلام) حق بزرگی به گردن شیعه بلکه تمام مسلمانان دارد. مطالبی در این دو زیارت آمده است که ما در متن احادیث و روایات این معارف را پیدا نمی‌کنیم.

مهمترین دلیل حصر طولانی امام هادی و امام حسن عسکری (علیهما السلام)

در میان ائمه اطهار (علیهم السلام) هم دوران امامت امام هادی (علیه السلام) بیشتر از سایر امامان بوده است. دوران امامت امام هادی سی و سه سال طول کشیده است.

امام هادی (علیه السلام) با شش نفر از خلفای عباسی (لعنهم الله أشد اللعن) به نام‌های «معتصم»، «واثق»، «متوکل»، «منتصر»، «مستعین» و «معتز» هم عصر بودند.

حضرت نه تنها همانند امام کاظم (علیه السلام) که در زندان‌های «هارون الرشید» از این زندان به آن زندان می‌رفتند، بلکه امام هادی هم زندانی بودند و هم زندانی نظامی بودند.

دلیل اینکه به امام هادی و امام حسن عسکری (علیهما السلام) عسکرین می‌گوییم، نشانگر این است که حضرت چقدر برای حکومت خطر داشتند که ایشان را به این شکل در محصور قرار داده بودند و ارتباط حضرت را با شیعیان و دوستان کاملاً قطع کرده بودند.

شاید برداشت من برای بعضی افراد مورد قبول واقع نشود، اما بنده معتقدم دلیل اینکه بعد از امام جواد، امام هادی و امام حسن عسکری این همه در فشار بودند قضیه مهدویت است.

رسول گرامی اسلام بشارت داده بودند که حضرت مهدی خواهد آمد و حکومت‌های باطل را بر خواهد چید. این افراد به دنبال این بودند که با این فشارها از ولادت حضرت ولی عصر به نوعی جلوگیری کنند.

عاقبت در چنین شبی با زهری که «معتز» یا «معتمد» به حضرت داده شد، آن بزرگوار را مسموماً به شهادت رساندند.

وقتی خبر شهادت امام هادی (علیه السلام) در بغداد منتشر شد، تمام مردم اعم از دوست و دشمن آمدند. نقل شده است تشییع جنازه‌ای برای امام هادی صورت گرفت که در تاریخ بغداد سابقه نداشت.

قبل از آنکه خلیفه عباسی برسد، امام حسن عسکری دستور داد بدن مطهر امام هادی را در کنار جاده‌ای گذاشتند، حضرت بر او نماز خواندند و آن بزرگوار را در منزل خودشان که الآن در حرمین عسکریین هست دفن کردند.

بعد از ایشان، امام حسن عسکری (علیه السلام) علی‌رغم فشارهایی که بر حضرت بود، مسئولیت امامت را بر عهده گرفت.

صلی الله علیه و آله یا مولای یا ابا الحسن یا امام هادی تو را به پهلوی شکسته مادرت حضرت فاطمه زهرا مضطر بین در و دیوار نظر عنایتی کن و از خداوند بخواه فرزندت حضرت حجة بن الحسن را نزدیک کند و ما را از یاران خاص و سربازان فداکارش قرار بدهد.

از خدا می‌خواهیم مشکلاتی که دنیا با آن دست و پنجه نرم می‌کنند و عاجز مانده‌اند، به دست والای حضرت ولی عصر حل شود و تمام مردم از این گرفتاری نجات پیدا کنند.

خدایا به آبروی امام هادی (علیه السلام) حوائج همگان مخصوصاً حوائج جمع ما و بینندگان و شنوندگان این برنامه را برآورده کن و دعاهای ما را به اجابت برسان.

خدایا انقلاب ما را به انقلاب جهانی حضرت ولی عصر متصل فرما و تمام خدمتگزاران به اسلام و قرآن و اهل بیت را در هر لباسی هستند موفق و مؤید بدار.

بنده نیم ساعت قبل از اذان در مؤسسه امام هادی بودم و از دیدن کارهای باارزش عزیزان واقعاً لذت بردم. توفیق بیشتر این عزیزان را از خداوند عالم می‌خواهم. ان شاء الله خداوند اعمالشان را مورد عنایت حضرت ولی عصر (ارواحنا فداه) قرار بدهد.

الحق و الانصاف ما می‌بینیم در قم در گوشه و کنار مراکزی هستند که کارهای گرانسنگ و با ارزشی انجام دادند که خیلی زیاد در جامعه مطرح نمی‌شود. ما با ذکر صلوات بر محمد و آل محمد از محضر عزیزمان استفاده می‌کنیم.

والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته